

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۲

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۶، تابستان ۱۴۰۲

بررسی عشق و حب الهی در خلقت هستی، براساس آیات قرآنی از منظر امام خمینی (ره)

مهناز کعبان حسینی^۱

مریم بختیار^۲

علی یار حسینی^۳

چکیده

بحث حب و عشق الهی، از مباحث جالب توجه مخصوصاً در عرفان اسلامی است که بسیاری از عرفا و اندیشمندان را واداشته تا با توجه به آیات قرآنی مربوطه، به شرح و بسط آن‌ها بپردازند. امام خمینی نیز با راهگشایی آیات و روایات از طرفی و نیز با تأثر از بزرگان و اکابر وادی عرفان و معرفت، در آثار خویش به این موضوع پرداختند که در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مطالب و تحلیل محتوا به بحث و شرح آن پرداخته شود. آنچه از آثار ایشان مطرح می‌شود اشاره به این دارد که جهان هستی و خلقت انسان، زائیده عشق و حب الهی است. حب و عشقی که اگر در وجود سالک راه حق سریان و جریان یابد، قادر است تا دوباره او را از این جهان خاکی به عالم باقی رهنمون‌سازد که البته آن هم در سایه عمل به احکام و شریعتی که الله از بنده خواسته، امکان‌پذیرست و مفهوم انا لله و انا الیه راجعون در باب آن تحقق می‌یابد.

در نگاه امام، حب الهی به منزله آتشی است که از همان ابتدای آفرینش در قلب عاشق برافروخته می‌شود و در راه رسیدن به آن باید از تصفیه و تزکیه نفس یاری خواست، صفتی که به دنبال تهذیب نفس از آلودگی‌ها و موانع و حجاب‌های دنیوی و مادی در باطن سالک پدید می‌آید، سالک را قادر می‌سازد که به استناد آیات قرآن، ملکوت را دریابد و به لقاء الله برسد.

واژگان کلیدی:

امام خمینی (ره)، آیات و روایات، تفسیر عرفانی، حب و عشق، خلقت.

۱- دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی ره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲- استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. نویسنده مسئول:

Bakhtyarmaryam@yahoo.com

۳- استادیار گروه عرفان اسلامی، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران.

پیشگفتار

ذات مقدس الهی خود، به موجب الطاف خاصه، موجودات عالم و در مرتبه بسیار والاتر، بندگان مخلص و مهذب خویش را در مسیر سعادت ابدی قرار می‌دهد و این لطف همان حبّ و عشق است که به استناد آیه نورانی «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» در آغاز آفرینش خداوند به انسان عشق می‌ورزد و پس از آن انسان در مسیر بی‌برگشت عشق لایتناهی الهی قرار می‌گیرد و در اینکه عشق در تکامل وجودی آدمی نقش اساسی دارد، هیچ شکی نیست، اینکه عشق غایت هستی است، حقیقتی است که اهل عرفان همگی بدان معترف و مقررند.

عشق به عنوان حقیقتی مکتوم، صفت ذات خداوند و تجلی او بوده و موهبتی است که موجب تقرب سالک به آستان حضرت محبوب می‌گردد. ویژگی مهم آن از منظر جستجوی کمال مطلق که همان ذات مقدس پروردگار است که موانعی همچون لذات و دلبستگی‌های مادی و دنیوی، حبّ دنیا و حبّ نفس و ... می‌تواند این عشق را از اصل حقیقی خود دور نموده و سالک را در سیر و سلوک به انحراف کشانده و از رسیدن به مقصود بازدارد. اما با عمل به فرامین الهی و تزکیه نفس است که شایسته عالم معنا می‌شود.

بنابراین نگارنده مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و طرح بیان مسئله و پیشینه ادبیات تحقیق در ابتدا، به توضیح و تشریح عشق و حب الهی از نظر معناشناسی و اصطلاحی در قرآن کریم و از باب عرفان می‌پردازد و سپس به نظریات امام خمینی در باب عشق و حب الهی و مفهوم آن و خلقت انسان و نگاه هستی‌شناسانه ایشان با توجه به تفسیر ۵ جلدی آن حضرت و دیگر آثار مرتبط ایشان پرداخته می‌شود.

بیان مسأله

در قرآن کریم واژه عشق نیامده اما بر واژه محبت تأکید شده است، خود واژه «محبّت» تنها یک بار آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي رَحْمَتِنَا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرًا كَثِيرًا» (طه / ۳۹) اما مشتقات آن ۹۴ بار به کار رفته است، انواع محبت به خانواده، پدر و مادر، هم نوع، بنده و خدا و در کل محبت تأکید شده است. راغب اصفهانی در مفردات قرآن آورده است که محبت یعنی اراده آنچه می‌بینی یا می‌پنداری خیر است، محبت چند وجه دارد که محبت خدا این است که نعمت خود را بر او نازل کند و محبت بنده به خدا

این است که خواستار نزدیک شدن به او باشد. محبت خدا به بنده در حقیقت به معنای محبت او به خودش است؛ زیرا کمال بنده، جلوه‌ای از کمال خداست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۴۰).

غزالی در تعریف محبت: «حب عبارت است از میل طبع به شیء که در ادراکش لذت است» (غزالی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۷۵) ابوالحسن دیلمی نیز محبت را از صفات انسانی دانسته، قائل به مراتب پنج-گان است: ۱- محبت الهی، متعلق به اهل توحید؛ ۲- محبت عقلی، متعلق به اهل معرفت؛ ۳- محبت روحانی، متعلق به خواص مردم؛ ۴- محبت طبیعی، متعلق به عامه مردم؛ ۵- محبت بهیمی، متعلق به مردمان رذل (دیلمی، ۱۳۶۲: ۵۶). در کل محبت در اصطلاح عرفا غلیان دل به حب محبوب است.

محبت در ادبیات عرفانی از واژگان کلیدی است که عرفا بر پایه آیات قرآنی، آن را در تعبیر مختلف آورده‌اند، بالاترین محبت در عرفان، محبت خدا و بنده است. این مفهوم در آیه ۵۴ مانده آمده: «يَأْتِي اللَّهُ بَقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، (مانده / ۵۴).

با توجه به این آیه، عرفا معتقد به محبت دوطرفه بین خدا و انسان هستند، گفته‌اند محبت خدا باعث آفرینش شد «چون خود(خدا) عاشق خود شد، خواست که خلقی بیافریند تا موقع عشق و نظر او شود. ارواح عاشقان را بیافرید. دیده‌شان به جمال خود بینا کرد. ایشان را پیاموخت که من پیش از شما عاشق شما بودم» (بقلی، ۱۳۴۴: ۱۶۶) همچنین در مصداق این آیه، محبت (عشق) صفتی از صفات حق است، چنانکه در حدیث قدسی آمد است «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

عرفا نیز در درک مفهوم آیه ۵۴ سوره مانده، به این نتیجه رسیدند که نباید برای رسیدن به بهشت و پاداش اخروی عبادت‌کنند، بلکه باید برای عشق محبوب عبادت‌کنند «بر پایه این نگرش، نسبت انسان و خدا از حالت عبد و معبود خارج می‌شد و به سمت تعریف جدیدی که همان محب و محبوب یا عاشق و معشوق است تغییر کرد با توجه به این نسبت به تدریج اصطلاحات جدیدی وارد عرفان و تصوف شد که اصلی‌ترین آن محبت بود (هاشمی، ۱۳۹۱: ۳۰).

غزالی گفته: «هر که خدای تعالی را بهتر شناسد وی را دوست دارد (غزالی، ۱۳۷۵: ۵۹۸). نجم رازی گفته: «یافت مرتبه محبوبی، مقدار معرفت باشد، چندان که مقام معرفت عالیت، مرتبه محبوبی کامل تر و ترقی مقام محبتی هم به قدر معرفت محبوب تواند بود و معرفت هم نتیجه محبت آمد، چنانکه محبت نتیجه معرفت است» (رازی، ۱۳۸۱: ۳۹).

پیشینه تحقیق

آنچه در نگارش حاضر مورد توجه است، دیدگاه عرفانی و تفسیر عرفانی امام خمینی در باب عشق و حب الهی و خلقت انسان با توجه به آیات و روایات است.

اشاره‌ای داشته‌باشیم به سابقه موضوعات نزدیک به موضوع حاضر. به‌عنوان نمونه در حوزه کتاب، طباطبایی (۱۳۸۰) در کتاب «سخن عشق: دیدگاه‌های امام خمینی و ابن عربی» با رویکردی علمی به بررسی دیدگاه‌های عرفانی امام خمینی (ره) و مقایسه آن با دیدگاه‌های عرفانی محیی‌الدین بن عربی پرداخته و واژه عرفانی عشق از دیدگاه این دو متفکر بزرگ اسلامی مورد بحث قرار داده و تلاش کرده تا نقاط اشتراک و افتراق آن با دو با هم مقایسه‌نماید.

«وحدت وجود و وحدت شهود در عرفان اسلامی مفهوم‌شناسی و پیشینه آن» حمید محمودیان (۱۳۸۸) در فصلنامه تخصص عرفان نیز از آثار دیگر است که به نگاه خاص هستی‌شناسی عرفانی اشاره دارد؛ و همچنین درباب امام خمینی و رویه عرفانی ایشان مقالات و آثاری نگاشته‌شده است از جمله «عرفان امام خمینی و جلوه‌های آن» از سیدمحمدعلی بلوکی؛ «مبانی نظری امام خمینی در عشق عرفانی و مقایسه آن...» محمد رودگر و دیگر منابع که به عرفان امام خمینی و نظریات ایشان پرداخته‌اند که می‌تواند در این بحث راهگشا باشد.

طاهری‌نژاد (۱۳۹۳) نیز در کتاب عشق در مشرب عرفانی امام خمینی (س) با جستجو در آثار امام، دیدگاه‌های ایشان را در رابطه با عشق بررسی کرده است. در ارتباط با اندیشه‌های امام با سور قرآنی نیز، کتاب تفسیر و شواهد قرآنی در آثار حضرت امام خمینی (س) در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی سال ۱۳۸۲ چاپ شده است.

خانم علی‌نژاد (۱۳۸۹) در کتاب «آداب باطنی تلاوت قرآن کریم با تأکید بر آداب الصلوه امام خمینی (س)» با بهره‌گیری از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در کتاب «آداب الصلوه» موضوع آداب باطنی تلاوت قرآن کریم را بررسی کرده است. در این کتاب پس از بیان آداب ظاهری قرائت قرآن مباحثی در حوزه آداب باطنی همچون: تعظیم، منزلت مطالب و مقاصد آن؛ آداب تعلم قرآن؛ فهم قرآن به جای تفسیر به رأی و... شرح داده شده است. طباطبایی (۱۳۸۰) در مقاله «نقش آفرینی عشق در نظام هستی از نگاه امام خمینی (ره)» در آثار و تألیفات عرفانی امام خمینی به تبیین جایگاه این حقیقت پرداخته است. یکی دیگر از مقالات مرتبط در این راستا اثر سیدمحمد یوسف‌ثانی و سارا قاسمی است با عنوان «بررسی تحلیلی رابطه حسن و عشق در اندیشه عرفانی امام خمینی» (۱۳۹۶) که پژوهشگر سعی در تبیین رابطه بین حسن و عشق در تفکر امام خمینی دارد. در کل می‌توان با نگاهی به این آثار و مقالات تحقیق نوین‌تری در زمینه تفکر اندیشه عرفانی امام خمینی درباب خلقت عاشقانه و حب الهی به‌دست آورد.

مفهوم عشق و حب الهی در عرفان اسلامی

کاربرد واژه عشق در حدود قرن پنجم رواج یافت (سجادی، ۱۳۷۲: ۲۸۷). با تتبع در آثار و تفاسیر عرفانی چنین دریافت می‌شود که عشق در اصطلاح عرفانی عبارت است از عشق به معبود و معشوق حقیقی.

عشق در این معنا جمعیت کمالات را گویند که در یک ذات باشد و جز حق را نبود (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۶۳).

صاحب مواهب الرحمن در بحثی عرفانی در تعریف حب و عشق چنین می‌گوید: «حب معروف است و از جمله مفاهیمی است که الفاظ از بیان حقیقت آن قاصر هستند و کلمات از احاطه بر آن ناتوانند. بنابراین بهتر است آن را به وجدان بسپاریم...»

خداوند متعال درباره حب خداوند و حب انسان - به صورت متقابل - چنین فرموده است: «قل إن كنتم تحبون الله فتبعونی یحببكم الله» (آل عمران/۳۱). ای پیامبر بگو اگر شما خداوند را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست دارد» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۸۵ - ۲۷۲).

عشق است که جسم را از خاک به افلاک می‌رساند. همان‌طور که مولوی، حافظ می‌سرایند:
جسم خاک از عشق بر افلاک شد کوه در رقص آمد و چالاک شد

(مولوی، ۱۳۷۴: ۶)

هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید

(حافظ شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۲۴)

در اصطلاح عرفا عشق، شامل دوست داشتن خداوند بندگان خاص را و دوست داشتن بندگان، خداراست» (رجایی بخارایی، ۱۳۶۴: ۵۸۹). چنانچه مستملی بخاری در کتاب شرح التعرف می‌گوید: «جنید چنین گوید: عشق گراییدن دل است، معنی آن این است که دل بنده به سوی خدا گراید و سوی چیزی که خداراست بی تکلف» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۳۹۳). در واقع عشق را دو سویه دانسته‌اند. ابوالقاسم قشیری نیز در رساله قشیری درباره عشق می‌گوید: «گفته‌اند محبت محو گشتن محب بود از صفات خویش و اثبات کردن محبوب را به ذات او» (قشیری، ۱۳۵۴: ۵۵۹).

بایزید بسطامی محبت را به چهار نوع تقسیم می‌کند که عبارتند از: الف. محبتی که از سوی خداوند است و آن منت او بر بندگان است. ب. محبتی که از طرف بنده است و آن اطاعت از خداوند است. ج. محبتی که مختص خداست و آن یادکردن بنده از خداست. د. محبتی که میان خدا و بنده جاری است که آن عشق است (غفارزاده، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

در نگرش عرفانی، عشق رمز هستی عالم و سرّ خلقت آدم دانسته می‌شود، عارفان آفرینش را «حرکت حَبّی» می‌دانند و این حرکت و انگیزش را کارساز هستی دانسته و معتقدند که عشق الهی به ایجاد و افاضه به کل هستی سرایت یافت و همین عشق، سبب ظهور و شهود آن حقیقت تامه‌ی قیومیّه است. پس، فاعلیت خداوند نسبت به عالم وجود «فاعلیت بالعشق» است. محی الدین بن عربی، محبت را به سه نوع تقسیم می‌نماید: محبت الهی؛ محبت روحانی؛ و محبت طبیعی. محبت الهی، محبتی است که ذات الهی نسبت به ما و ما نیز به ذات اقدس او داریم. محبت روحانی، محبتی است که به وسیله آن برای جلب رضایت محبوب تلاش می‌شود. در این نوع، محبوب خود نیز مُجِبّ است و با وجود او هدف و غرضی نمی‌ماند و این عشق به سبب اراده و کشش محبوب است (الغراب، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

- مفهوم عشق در قرآن و روایات اسلامی

واژه عشق در قرآن نیامده است. اما کلماتی در قرآن وجود دارد که معنای عشق را می‌رساند، مانند: حبّ، ود و... واژه محبت یکبار در قرآن و در آیه ۳۹ سوره طه به کاررفته است. واژه «مودت» ۸ بار استفاده شده است. در دو جا از آیات قرآن از پروردگار با صفت ودود یاد شده است و در ۱۷ مورد نیز افرادی را که محبوب خدا هستند، با واژه «یحب» مورد خطاب واقع شده‌اند. نیز در ۲۳ مورد واژه «لایحب» در قرآن به کاررفته است.

مطهری انواع حبّ را در قرآن به ۳ بخش تقسیم کرده است: -آیاتی که در توصیف مؤمنین آمده و از دوستی و محبت عمیق آنان نسبت به حضرت حق یا نسبت به مؤمنان سخن گفته است: بقره/۱۶۵، حشر/۹؛ -آیاتی که از محبت حق نسبت به مؤمنین سخن می‌گوید: ممتحنه/۸، حجر/۹، بقره/۲۲۲، مائده/۱۳-۴۲-۵۴، آل عمران/ ۳۱-۱۴۸-۱۵۹، توبه/۴۸، صف/۴؛ -آیاتی که در بردارنده دوستی‌های دو طرفه و محبت‌های متقابل است، دوستی خداوند نسبت به مؤمنین و دوستی مؤمنین نسبت به خداوند و محبت میان مؤمنان: روم/۲۱، مریم/۹۶، مائده/۵۴، آل عمران/۳۱. (مطهری، ۱۳۷۱: ۴۲).

برخی در قرآن و احادیث دستاویزهایی یافته‌اند که ارتباطی را که بتواند انسان فانی را به خدای ازل و ابدی پیوند دهد، نشان بدهند. از جمله موردی که در قرآن از میثاق سخن به میان آمده که آن را نوعی پیمان محبت قلمداد می‌کنند: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ»، آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند بلی» و نیز امانتی را که در قرآن و در آیه ۳۳ سوره احزاب بدان اشاره شده، که بر جهانیان عرضه شد، آسمان و زمین از قبول آن سرباز زدند و انسان آن را پذیرفت، از این امانت به عشق تعبیر می‌کنند. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأَبَيْنَ أَنْ تَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»، ما امانت الهی را بر آسمان‌ها و زمین عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند؛ ولی انسان آن را برداشت. به راستی او ستمگری نادان بود (احزاب/۳۳).

از دیگر آیاتی که از آن در تأویل و تفسیرهایشان استفاده می‌کنند، آیه ۵۴ مائده است. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»، به زودی خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند. نیز آیه ۳۱ آل عمران. با تأمل در روایات و احادیث اسلامی نیز می‌توان ردپای عشق را پیدا کرد. به عنوان نمونه پیامبر (ص) می‌فرماید: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشَقَ الْعِبَادَةَ»، بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد. به فرموده مولای متقیان، انسانی که به مرحله حقیقی عشق دست یابد، دیدگانش در مقابل همه چیز جز معبود و معشوق حقیقی، کور می‌شود. اینجاست که می‌فرماید: «مَنْ عَشَقَ شَيْئاً أُعْشِيَ بَصَرَهُ» (نهج البلاغه / خطبه ۱۰۸) و یا در برخی از دعاها کلمات و جملاتی به کار رفته که نشان‌دهنده علاقه وافر و اشتیاق شبیه به عشق می‌باشد.

تعریف و صفات عشق از منظر امام خمینی (ره)

از منظر عرفان اسلامی که امام خمینی (ره) نیز بدان عقیده دارد، عشق شامل سه نوع طبیعی، روحانی و الهی است که نوع اول شامل عوام بوده و هدف غایی آن یگانه‌شدن در روح حیوانی است و نتیجه آن نکاح و عشقی همگانی است (میرآخوری، ۱۳۷۶: ۳۵).

نوع دوم روحانی است که هدفش اتحاد و همانند شدن با ذات محبوب است، چنانکه ذات محبوب، عین ذات محب و ذات محب، عین ذات محبوب می‌شود
سومین نوع الهی است که «عبارت است از حبّ خداوند به بنده و حبّ بنده به پروردگارش، چنان که خداوند می‌فرماید: «ایشان را دوست دارد و ایشان او را دوست می‌دارند» (همان).

به این ترتیب، ایشان عشق را خمیرمایه عالم هستی دانسته و چرخش عالم را بر محور حبّ تبیین می‌کنند و راز آفرینش و منشأ ظهور و تجلّی کاینات می‌دانند. از باب دامنه نامحدود و تعدد تعاریف برای عشق، با دیگر عرفا هم مسلک و هم نظر است. در دیوان اشعار عرفانی خویش می‌فرماید:

وه چه افراشته‌شد در دو جهان پرچم عشق آدم و جن و ملک مانده به پیچ و خم عشق

عرشیان ناله و فریاد کنان در ره یار قدسیان بر سر و بر سینه زنان از غم عشق

(دیوان، ۱۳۷۲: ۱۳۴)

در یک مورد حقیقت حبّ را آتشی می‌داند که از قلب عاشق شعله‌ور شده و به تدریج شراره آن به سرّ و اعلان و باطن وی سرایت می‌کند، طوری که تمام وجود او را فرا می‌گیرد و اینجاست که تجلیات عشقی در سر دل عاشق به صورت در ظاهر آشکار می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۱). هر چند «ظهور تمام حقایق در حضرات خارجی، به مقدرات آنها در حضرت علمی بستگی دارد و تقدیر در حضرت علمی، به حبّ ذاتی است و اگر این حبّ و محبت نبود، هیچ موجودی از موجودات خلق نمی‌شد و

احدی به کمال دست‌نمی‌یافت و همین حبّ ذاتی است که مدیر و مدبر ملک و ملکوت است (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۱).

لذا، به عقیده امام(ره) هم ایجاد موجودات و هم بقای آنها وابسته به حبّ ذاتی است و چنین حبّی هم علت ایجادکننده و هم علت ابقای آنهاست. از این دو ساحت به ایجاد و ایصال موجودات به کمال، چنین تعبیر کرده‌اند: «وَلَوْلَا ذَلِكَ الْحُبُّ، لَمَا يَظْهَرُ مَوْجُودٌ مِنَ الْمَوْجُودَاتِ وَلَا يَصِلُ أَحَدٌ إِلَى كَمَالٍ مِنَ الْكَمَالَاتِ؛ فَإِنَّ بِالْعِشْقِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ» (همان: ۷۱)، اگر آن حبّ ذاتی خداوند نبود، هیچ موجودی از موجودات ظهور پیدانمی‌کرد و هیچ پدیده‌ای به کمال مطلوب نمی‌رسید، پس بی شک آسمان‌ها بر پایه عشق استوار است.

عشق در اندیشه لطیف و پویای امام(ره) دارای ویژگی‌هایی است:

نخست: صفت ذاتی خداوند است و همان‌گونه که حق ناشناختنی است، لذا صفات حق نیز از آن حیث که عین ذات است، قابل شناخت نمی‌باشد. از این رو، حقیقت عشق هرگز شناختنی نیست؛ ویژگی دوم: دریافتی ذوقی، شهودی و وجدانی می‌باشد که ادراک و فهم آن به «چشیدن و رسیدن» است و رسیدن در این باب، به فنای فی الله و بقای بالله معنی شده است.

سومین صفت: حقیقتی ابدلی و ازلی است که به‌عنوان یک صفت پایدار هم برای خداوند، هم برای جهان هستی و هم برای انسان به‌شمار می‌آید. از این رو، تنها طریق پیوند عالم و آدم به ذات مقدس الله نیز عشق است.

ویژگی چهارم: امام عشق را به دریای بی‌کران و صحرایی بی‌پایان همانند می‌کند و در آثار خود نیز خاطرنشان می‌شود که برای آن نمی‌توان هیچ‌گونه حد و مرزی ترسیم نمود.

پنجمین ویژگی: در مفهوم الهی خود گذشته از این که عامل ایجاد و ابقاء عالم کون و مکان است، مصداق بارز رحمت الهی است. یعنی هم هستی همه هست‌ها به سبب «احببت أن اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف» و امدار حبّ الهی است و هم تکامل و تعالی و به‌عبارتی به فعلیت رسیدن تمام قابلی‌ها و پتانسیل‌ها در این عالم، در گرو این لطف و عنایت ذات باری تعالی است

ششمین ویژگی: حقیقت جلالی جمالی، تنزیهی و تشبیهی عشق است که به‌صورت توأمان غیرسوز و کمال‌آفرین است و همچنین به تنزیه و تخلیه می‌پردازد. درعین‌حال، تطهیر و تخلیه نیز دارد و مصداق روشن «لیذهب عنک الرجس و هم «یطهر تطهیراً» می‌باشد.

هفتمین صفت: کثرت‌سوزی، وحدت‌آفرینی و وحدت‌بینی آن است (طباطبائی، ۱۳۸۰: ۱۷۷-

مفهوم حبّ الله از منظر امام خمینی

حبّ الله در مکتب کمال‌گرای اسلام، محور دین محسوب شده است که با سرنوشت آدمی پیوند خورده است. خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری / ۲۳)؛ ای رسول خدا، بگو من از شما مزد و پاداشی نمی‌خواهم مگر مودت و دوستی با خداوند.

در این میان مؤمنان، مدعی هستند که حبّ الهی را در دل دارند و در دل آن‌ها جز محبت پروردگار دلبستگی دیگری نیست. طبق مستندات آیات قرآن کریم حتی یهود و نصرانی نیز ادعای محبت خداوند را دارند. خداوند در سوره مائده (۱۷) همان‌طور که در دیوان اشعار عرفانی امام (ره) آمده است:

«این قافله از صبح ازل سوی تو رانند تا شام ابد نیز به سوی تو روانند

سرشگشته و حیران همه در عشق تو غرقند دل سوخته هر ناحیه بی‌تاب‌توانند»

(دیوان امام، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

خدای تبارک و تعالی برای حفظ انواع حیوانیه و حفظ نوع و نظام عائله انسانی، به حیوان مطلقاً و به انسان به‌خصوص مرحمت فرموده و آن‌ها را مورد محبت خویش قرار داده، و این جلوه‌ای از رحمت رحمانیه است که نظام عالم وجود، مطلقاً بر پایه آن نهاده شده است؛ و این محبت و عطف در حیوان با حفظ و حضانت اولاد خود و در انسان با حراست از عائله خود معنا پیدامی‌کند و سلطان عادل حفظ مملکت خود می‌کند. به عقیده امام (ره) اگر این محبت و شفقت و رأفت الهی نبود، هیچ مادری تحمل مشقت‌ها و زحمت‌های فوق‌العاده خود را نمی‌کرد؛ و این جذبه عشق الهی است که قلوب را به خود مجذوب نموده و بالفطره حفظ نظام عالم را می‌کند. این محبت الهی است که معلمین روحانی و انبیای عظام و اولیای کرام و علمای بالله را برای سعادت نوع خود و خوشبختی دائمی عائله انسانی به آن مشقت‌ها و زحمت‌ها اندازد. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

جایگاه عشق در خلقت از منظر امام خمینی

آدمی به دنبال کشف و شناخت فلسفه خلقت انسان و عالم هستی است. اهل معرفت با استناد به آیات قرآن، متفقند که دلیل خلقت انسان، عشق خداوند است و در این میان هرچه جز انسان آفریده شده است، برای انسان است و اوست که محور نظام آفرینش می‌باشد. در سوره بقره آمده: «الذی جعل لکم الارض فراشاً و السماء ماءً فأخرجَ به من الثمرات رزقاً لکم...» (بقره / ۱۹) و نیز در ادامه: «هو الذی خلقَ لکم ما فی الأرض جمیعاً» (بقره / ۲۹)، او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد.

در قرآن، خداوند از عشق خود به بندگان یا محبت بندگان خاص نسبت به خود یاد نموده است که امام خمینی (ره) در تبیین آن به سوره‌های نورانی مائده و اعراف استناد نموده است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...» (مائده/ ۵۴)، ملاحظه می‌شود که در «یُحِبُّهُمْ»، محب و دوستدار خداوند رحمان است و محبوب و معشوق، بندگانند و در «يُحِبُّونَهُ» محب و عاشق، بندگان هستند و معشوق، خداوند است (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۴۱۳).

نمونه دیگر «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف/ ۱۷۲) و هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۴۲۶-۴۱۵).

مفهوم این آیه درباره میثاق و عهدی است که خداوند با ذریه بنی آدم بسته است. امام خمینی (ره) نیز همچون دیگر اهل معرفت، با استناد به آیه فوق، موضوع ازلی بودن عشق را مطرح نموده است. ایشان در تفسیر آیه مذکور، عهد و پیمانی را که ذریه بنی آدم با خداوند بسته‌اند، میثاق عشق دانسته و معتقدند که خداوند با ارواح بنی آدم پیمان بسته است که آیا من محبوب و معشوق شما نیستم و ایشان در جواب گفتند: آری! این پیوند پیش از ورود ارواح به عالم ناسوت، در ازل بسته شده است. از این رو عشق انسان به خداوند متعال، محبتی ازلی و فطری است.

با استناد به آیه یادشده، سرآغاز عشق از سوی خداوند می‌باشد با این استدلال که در ابتدا او بندگان خود را دوست داشت و به موجب این دوستی، آنان نیز او را دوست داشتند. از نظر عرفا، آفرینش جلوه گاه حسن خداوند است، چون خداوند اراده نمود که شناخته شود، عشق آغاز گردید و به دنبال آن آفرینش. بدین ترتیب، اهل نظر و عرفا و امام (ره) که معتقد به وحدت وجود هستند، ایجاد و آفرینش عالم را ماحصل عشق الهی به ذات، اسماء و صفات خویش می‌دانند (اسماعیلی نیا، ۱۳۹۶: ۳۵).

از منظر وی، عشق دو ساحت مقدس دارد: از یک طرف اشتیاق گنج پنهانی است که می‌خواهد در مخلوقات عالم تحقق و تجلی یابد. از سوی دیگر عشق موجودات به پروردگار یا عشق پروردگار به خویشتن خویش است، چراکه خداوند در عین عاشقی، معشوق و در عین خالق مخلوق است. این دو حرکت عشق خداوند به ظهور در مخلوقات، و عشق مخلوقات و گرایششان به اتحاد با اسماء الهی که خود مظهر تجلی آن‌ها هستند، با دو قوس نزول و صعود که یکی از آن‌ها مثال فیضان پایدار وجود و دیگری مظهر بازگشت به سوی ربوبیت است، مطابقت می‌کند. قوس اول معرفت آفرینشی در فیضان همواره و بی توقف است و قوس دوم بیانگر بعثت و رستاخیز موجود است و بازگشت آن‌ها به سبب آغازین و انجامین آن‌هاست (شایگان، ۱۳۷۳: ۴۰۱).

عشق ذات باری تعالی به ذات خویشتن سبب آفرینش شد و عشق در رگ‌های عالم امکان جریان یافت و قلب حیات را به تپیدن واداشت و در جهان شور و غوغاها برانگیخت. امام نیز همچون دیگر هم‌مسلمانان خویش، این اصل مهم را تأیید نموده و اعتقاد دارد که چون محبت خداوند بر این تعلق یافت که ذات اقدس خود را در آئینه صفات ببیند، عالم صفات را ایجاد کرد و در حضرت واحدیت تجلی نمود (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۴۴).

امام در تفسیر «فأحببتُ أن اعرف» بر این نظرند که مفهوم این حدیث یعنی اینکه: ذاتم شناخته‌گردد به مقام کنزیت که همانا مقام واحدیت است که در آن کثرت اسمایی مختلفی است و خلق را خلق کردم تا از حضرات اسمائی به اعیان خلقی تجلی کنم و خودم را مرئی تفضیلی بشناسم (همان: ۵۶). اهل معرفت، مقام کنز مخفی را همان وجود لا به شرط مقسمی می‌دانند که هیچ قیدی حتی قید لا به شرطی و اطلاق نیز ندارد و این مقامی است که از آن به «هو» تعبیر می‌شود. مقامی است که در آن هیچ تعینی نیست. حتی تعین ذاتی و هیچ احدی نیز هم حد و برابر آن نیست و آن مرتبه‌ای است که بدون اسم و رسم می‌باشد و از تیررس تفکر، کشف و شهود خارج است (آشتیانی، ۱۳۷۵: ۳۳۴).

امام خمینی (ره) در تفسیر آیه اول سوره توحید «قل هو الله أحد»، بگو جز خداوند خدایی نیست؛ نیز بیان می‌کند که «هو» در آیه مذکور اشاره به مقام «هویت مطلقه» دارد، من حیث هی هی، بدون اینکه متعین به تعین صفاتی یا متجلی به تجلیات اسمائی شود. حتی اسماء ذاتی که در مقام احدیت اعتبار شود. به عبارتی، «هو» اشاره به مقامی دارد که اشاره و آمال عارفین از آن منقطع است و مبراً از اسم و رسم و منزله از تجلی و ظهور است. احد اشاره به تجلی به اسماء باطنی غیبی است و الله اشاره به تجلی اسماء ظاهری است و به این اعتباریات اولیه حضرت ربوبیت متحقق می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۴۸۲). به این ترتیب، بنیان خلقت را تجلی حق می‌داند که سبب آن عشق بوده است.

کارکردهای تجلی فیض اقدس و فیض مقدس از منظر امام

ذات حضرت حق با تجلی به فیض اقدس که خود تجلی ذات به ذات است، در عالم، اسما و صفات را ظاهر کرد. حال این اعیان ثابت به اقتضای خویش، از عالم معقولات به عالم محسوسات ظاهری می‌گردند و این همان فیض مقدس است. یعنی فیض مقدس در حقیقت تجلی ذات به اسما و صفات است که به وسیله اعیان خارجی حاصل می‌شود و جلوه‌گاه تجلی عینی فیض اقدس، فیض مقدس می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۲۶۷).

بر اساس فیض اقدس و مقدس، هریک از مخلوقات عالم، بر حسب استعداد و اقتضای خود به واسطه حب ذاتی، بهره‌ای از هستی برده‌اند. عشقی که حضرت امام از آن با عناوین «موجده» و «مبقیه» یاد کرده و آن را به کمال تعبیر نموده است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۸۱).

ویژگی چنین حبی، جستجوی کمال غایی و مطلق است، بدان سبب که این عشق خود کمال مطلق است که منظور از آن ذات مقدس حضرت حق می‌باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۲) بنابراین، عالم هستی چه در ایجاد و چه در ابقاء، مدیون و مرهون عشق است و چه زیبا این دو ساحت را در شعر خویش به تصویر کشیده‌است:

«من چه گویم که جهان نیست به جز پرتو عشق

ذوالجلالی است که بر دهر و زمان حاکم اوست

از ساکنان در می‌خانه عشقیم مدام

ازل مست از آن طرفه سبوییم همه»

(دیوان، ۱۳۷۲: ۱۷۹ و ۶۱).

در بیت اول به اینکه جهان همگی پرتو عشق است، به ساحت ایجاد اشاره کرده و در بیت دوم ساحت ابقاء را تبیین می‌کند. در کتاب مصباح الهدایه نیز، در موضوع حضرات خمس، جهان هستی را مرهون فیض اقدس و تجلی نخستین حق می‌دانند که به واسطه حبّ ذاتی به وجود آمده‌است و متذکر می‌شوند که خدا ذات خود را در آیینه صفات شهود می‌کند و سپس به ظهور این عالم و عوالم دیگر می‌پردازد. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۶۴).

تجلی حبّ الهی در مخلوقات

موجودات جهان پرتویی از نور ذات حق هستند و بالفطره از عشق الهی بهره‌برده‌اند. امام خمینی در تفسیر سوره حمد بر این نظریه اعتقاد دارد که تجلی در موجودات به اسم اعظم است و واژه «رحمان» در این سوره همان تجلی به رحمانیت است در مقام فعل و هکذا «رحیم». «ربّ العالمین» هم با «ایاک نعبد». نیز ایشان بیان می‌کنند که «حمد» همان حمد مطلق و بدون قید است و آنجا که «اسم» آمده‌است، منظور همه موجودات است که جلوه‌ای از ذات حق هستند. (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۰). ذات و جلوه خداوند مثل دریا و موج است. موج از دریا خارج نیست، موجودات عالم برای جبران نقص خود به وجودی کامل نیازمندند تا بتوانند در پرتو کمال او کامل شوند.

در تفسیر سوره حمد و آیه «ربّ العالمین»، ضمن اشاره به ربوبیت ذاتیه خداوند، تمام عالمیان را برخوردار از عشق، محبت و کمال مطلق الله می‌داند و می‌فرماید: «عشق و محبت در خمیره مخلوقات خداوند کمال مطلق است که بدان فطرت عشقیه سائقه و جذب قهریه مالکیه که ناصیه آن‌ها را فراگرفته، به مقام جزای مطلق که استغراق در بحر واحدیت است، نایل شوند. طبق آنچه در «شواهد

قرآنی در آثار امام آمده، ایشان پیرامون این موضوع به آیه‌ای از سوره شوری استناد کرده است که می‌فرماید: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری/۵۳)، هان بازگشت امور فقط به سوی خداست (همان: ۵: ۶). به این ترتیب، در اندیشه امام (ره) غایت آرزوها و نهایت حرکات، منتهای اشتیاقات، مبدأ و مرجع تمام موجودات، معشوق همه مخلوقات، محبوب جمله عشاق و مجذوبین عالم، ذات اقدس الهی است؛ گرچه خودشان به واسطه حجاب‌ها نمی‌توانند آن مطلوب را درک کنند و خود را عابد، عاشق، طالب و مجذوب امور دیگری دانند؛ و این حجاب بزرگ فطرت است که به اعتقاد امام (ره)، سالک واقعی باید به قدم معرفت آن حجاب را پشت سر بگذارد و تا بدان مقام نرسد، حق ندارد که «ایاک نعبد» بگوید، یعنی «لَا نَطْلُبُ إِلَّا إِيَّاكَ»، و جوینده غیر تو نیستیم و خواهنده جز تو نخواهیم بود و ثنای غیر تو نکنیم و استعانت در همه امور به جز از تو نجوئیم. همه ما سلسله موجودات و ذرات کائنات، از ادنی مرتبه سفل ماده تا اعلی مرتبه غیب اعیان ثابت، حق طلب و حق جوئیم و هرکسی در هر مطلوبی تو را طلب کند و با هر محبوبی عشق تو ورزد. «يَسْبِغُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حشر/۲۴)، آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خداوند را تسبیح می‌گویند (همان: ۹-۸).

«و چون سالک را این مشاهده دست‌دهد و خود را به سراسر اجزای وجودیه خود، از قوای ملکیه تا سرائر غیبیه و جمیع سلسله وجود را عاشق و طالب حق ببیند و اظهار این تعشق و محبت را نماید، از حق استعانت و وصول طلبد و هدایت به صراط مستقیم را- که صراط ربّ الانسان است: «إِنَّ رَبِّيَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود/۵۶). و آن صراط «منعم علیهم» از انبیای کمال و صدیقین است که عبارت از رجوع عین ثابت به مقام الله و فنای در آن است نه فنای در اسمای دیگر که در حد قصور یا تقصیر است- طلب کند. چنانچه رسول اکرم (ص) فرمود: «کان أخی موسی عینه الیمنی عمیاء و أخی عیسی عینه الیسری عمیاء و أنا ذو العینین»، برادرم موسی را چشم راست نابینا بود و برادرم عیسی را چشم چپ، و من دارای دو چشم هستم. جناب موسی را کثرت غلبه بر وحدت داشت و جناب عیسی را وحدت غالب بر کثرت بود و رسول ختمی مرتبت را مقام برزخیت کبری، که حد وسط و صراط مستقیم است، بود (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۹).

امام در ادامه می‌فرماید: «حمد حامدان و ثنای ثناجویان به قیومیت اسم «الله» است. چنانچه این دو نظر در مراتب وجود و منازل غیب و شهود نیز هست: در نظر کثرت و رویت تعینات عالم اسمای مختلفه رحمانیه و رحیمیه و قهریه و لطفیه است و در نظر اضمحلال کثرات و امحای انوار وجودیه در نور ازلی فیض مقدس، جز از فیض مقدس و اسم جامع الهی اثر و خبری نیست و همین دو نظر در اسما و صفات الهیه نیز هست: به نظر اول، حضرت واحدیت مقام کثرات اسما و صفات و جمیع کثرات از آن حضرت است؛ و به نظر ثانی، جز از حضرت اسم الله الاعظم اسم و رسمی نیست؛ و این دو نظر حکیمانه و با قدم فکر است و اگر نظر عارفانه شد، به فتح ابواب قلب و با قدم سلوک و

ریاضات قلبیه، حق تعالی با تجلیات فعلیه و اسمیه و ذاتیه گاهی به نعت کثرت و گاهی به نعت وحدت در قلوب اصحاب آن تجلی کند (همان: ۱۳)

سالک راستین الی الله باید به قلب خود به هنگام تسمیه بفهماند که تمام مخلوقات ظاهره و باطنه و تمام عوالم غیب و شهادت در تحت تربیت اسماء الله، بلکه به ظهور اسماء الله ظاهرند و جمیع حرکات و سکانات آنها و همین طور تمام عالم به قیومیت اسم الله است. پس محامد ایشان، از برای حق و عبادت، اطاعت، توحید، اخلاص و حتی حب آنها همه به قیومیت اسم الله است و اینجاست که این کلام لطیفه و برهان محکم در قلب او محکم و مستقر می شود به واسطه تذکر شدید که غایت عبادات است - چنانچه خدای تعالی در خلوت انس و محفل قدس به کلیم خود موسی بن عمران فرمود: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه/۱۴)، همانا منم خدای یکتا خدایی جز من نیست، پس مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من برپادار - جز یاد و نام معبود حقیقی بر زبان و جانش نمی رود و همواره در محضر ذات احدیت خود را حاضر و الله را ناظر می بیند. از این رو، همه مخلوقات براساس فطرت، محب و ثناگوی ذات مقدس پروردگارند و چه بسا از دیگر موجودات بیزارند، مگر آن وجودهایی که به حسب سیر در ممالک کمال و شهرهای عشق، فانی در ذات ذوالجلال هستند، که عشق به آنها و ثنا و ستایش آنها عین عشق به خداوند است. به عبارتی، حب خاصان خدا، حب خداست (همان: ۲۲).

عبادت مصداق حب از منظر امام خمینی (ره)

هر عشقی که به مرحله عشق حقیقی برسد، به مرحله پرستش نیز می رسد. عشق و عبادت دو عنصر تفکیک ناپذیرند و همواره نوعی توحّد و یگانگی میان عاشق و معشوق وجود دارد، طوری که عاشق از هرچه غیر محبوب است چشم می پوشد. صاحبان معرفت و اهل نظر نیز خدا را به خاطر عشق می پرستند و طمعی به بهشت و پاداش او ندارند.

ما کوردلان، خامششان پنداریم با ذکر فصیح، راه او می پویند

(دیوان، ۱۳۷۲: ۲۱۱).

در این باب، امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ» (حرّ عاملی، ۱۳۹۱: ۴۵).

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: «ما عبدتک خوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک، لکن وجدتک أهلاً للعبادة فعبدتک» (فیض کاشانی، ۱۳۷۴: ۷۰).

امام در جلد دوم تفسیر ۵ جلدی خویش، در تفسیر آیاتی از سوره مبارکه آل عمران، به عشق متقابل میان عبد و معبود اشاره کرده است. ایشان با استناد به آیه: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (آل عمران/۳۱)، بگو اگر خداوند را دوست می‌دارید، مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد؛ عبادت را لازمه حب الهی می‌داند و معتقد است، اگر سالک عاشق خدا باشد، او را بپرستد، خداوند نیز وی را در جوار امن خویش قرار می‌دهد: «فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ كَانَ مِنَ الْأَمِينِينَ»، پس هر کس خدای عزوجل را دوست، خداوند تعالی دوستش خواهد داشت و هر کس که خد دوستش بدارد از امان یافتگان باشد (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۵۳).

امام در شرح چهل حدیث نیز، درباره نقش عشق در پرستش خداوند می‌گوید: «تمام موجودات و عایله بشری با زبان فصیح یک‌دل و یک جهت گویند: ما عاشق کمال مطلق هستیم. ما حب به جمال و جلال مطلق داریم (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). ایشان در آداب الصلاة، آتش عشق را براق معراج الی الله می‌داند و بر این اعتقاد است که حب محبوب لایزال، انگیزه اصلی آزادگان در عبادت است (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۵۸).

به عقیده امام (ره)، همچنان‌که عشق عامل خلقت و راز آفرینش به‌شمار می‌آید و پیدایی جهان و امدا و مدیون عشق خدا به جمال و جلال خویش است، همین عشق، عامل هدایت و استکمال موجودات به‌ویژه انسان به سوی پروردگار هستی می‌باشد؛ یعنی همچنان‌که عشق در قوس نزول کارساز است، در قوس صعود نیز مهم‌ترین عامل و محرک سالک الی الله است.

عالم عشق است هر جا بنگری از پست و بالا

سایه عشقم که خود پیدا و پنهانی ندارم

هرچه گوید عشق گوید، هرچه سازد عشق سازد

من چه گویم، من چه سازم، من که فرمانی ندارم

(دیوان، ۱۳۷۲: ۱۰۵).

امام عشق را بهترین هادی و هدایت‌گر انسان و راهگشای سیر و سلوک و عرفان اصیل دانسته و به معجزه اش تا حد ایمان دارد از این رو با افتخار ندا برمی‌آورد:

«خواست از فردوس بیرونم کند خوارم کند عشق پیدا گشت و از ملک و ملک پرآن نمود»

(همان: ۱۱۵)

روح عبادت خالصانه را حضور قلب می‌داند و معتقد است که عبادت به‌ویژه نماز، معراج قرب الهی است و چنانچه عبادت بدون حضور قلب باشد، باعث تقرب به آستان حضرت دوست نخواهد شد (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴۳۳).

اثرات و نتایج حب الهی در زندگی

نورانیت دل بر اثر حبّ خداوند-عشق الهی اثراتی مثبت بر وجود سالک راستین و محبّ واقعی می‌گذارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها نورانی شدن دل است.

آن دل که به یاد تو نباشد دل نیست قلبی که به عشقت نپرد، جز گل نیست

(دیوان، ۱۳۷۲: ۶۵).

در کتاب شواهد و آثار قرآنی در آثار امام خمینی (ره) چنین آمده‌است، آن‌هایی که از همه جا بی‌خبر، دلشان زنده به حیات معرفت و عشق الهی نیست، مردگانی هستند که غلاف بدن قبور پوسیده آن‌هاست و این غبار تن و تنگنای بدن مظلّم آن‌ها را از همه عوالم نور و نور علی نور محجوب نموده‌است. آن بزرگوار در تبیین این موضوع به آیه‌ای از سوره نور استناد کرده‌است که می‌فرماید « وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ » (نور/۴۰)، کسی را که خداوند برای او نوری قرار دهد، برای او نوری نخواهد بود (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۶۱۳).

آرامش روحی - از آثار مهم محبت خداوند از دیدگاه امام خمینی (ره)، آرامش و سکینه روحی محبّان الله است. آبا استناد به آیاتی از سوره یونس که می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/ ۶۲)، منظور از «اولیاء» در این آیه، دوستاناران و محبّان مطلق ذات اقدس الهی است که چون به مقام فنای کلی در وجود حق نایل شده‌اند و انقطاع از خود و همه عالمیان پیدا کردند، پس خوفی ندارند و هرگز غمگین نمی‌شوند. (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۳۵-۳۴).

محبوبیت نزد خداوند - در این خصوص به آیه ۳۱ آل عمران استناد و اشاره شده‌است که می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»، در تفسیر این آیه معتقد است که بندگی به واسطه حبّ، مصداق بارز محبت الهی است (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۵۵).

اشتیاق برای وصال محبوب - این از نشانه‌های مهم حب خداوند و لقاء الله است چه بسا وصال با مرگ میسر گردد، در این صورت سالک و عاشق حقیقی مرگ را با آغوش باز آرزو می‌کند تا به وسیله آن به دیار حق نائل آید. در این باب، یکی از راه‌های کسب محبت خداوند را دعا و تضرع عنوان کرده‌است. سالک باید «در هر حال خصوصاً در خلوات، با تضرع و زاری از حق تعالی بخواهد که محبت خود را در دلش القاء فرماید و قلبش را به نور معرفت و محبتش روشنی بخشد و محبت دنیا و غیر خودش را ز دلش بیرون کند. البته این دعا در اول امر بی‌مغز و لقلقه لسان است، زیرا با محبت

مفراط به دنیا، خواهش زوال آن جداً مشکل است ولی پس از مدتی تفکر و مواظبت و به دل فهماندن نتایج محبت الله و نتایج سیئه حب دنیا امید است که حقیقت پیدا کند» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴۶۲).

جلب خشنودی و رضایت معشوق

در کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل» معتقد است که رضا به معنای خشنودی حق تعالی و در مقابل خشنودی بنده از حق تعالی و اراده او و مقدرات اوست (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۱). در قرآن کریم آمده است: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مائده/۱۱۹)؛
ا خشنودی خداوند یعنی رضا به مقام ربوبیت حق؛ اینکه سالک خود را در تحت ربوبیت حق متعال قرارداد و از این طریق خویشتن را از سلطنت شیطانیه رها سازد. اینجاست که می توان خشنودی خداوند را کسب نماید (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۶۲۹).

نتیجه گیری

امام خمینی (ره) با تأسی از قرآن، اهل علم را از قضاوت اشتباه درباره عشق الهی نهی می کند (امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲۰). اولین قدم در مسیر وصال محبوب را قرار گرفتن تحت میزان شریعت و عمل به دستورات قرآن و ائمه اطهار (ع) می داند. بنابراین خود در تفاسیر خویش به این مهم تأکید دارد. با سیری کوتاه در اندیشه و آثار امام خمینی (ره) چنین دریافت می شود که، عشق حقیقتی ناشناخته است و علت مکتوم بودن آن به عنوان حقیقتی مطلق، این است که ذات خداوند احدیت ناشناخته است و صفت ذات خداوند است، پس آن نیز ناشناخته است. در نظام فکری امام، عشق هم در ایجاد و هم در ابقای جهان هستی نقش اساسی داشته و در واقع «براق سیر و رفرع عروج است». از منظر عرفانی امام، کمال انسان با عشق میسر است، همچنان که آسمانها نیز بر پایه عشق استوارند.
امام (ره) معتقدند که انسان مفعول عشق است و در فطرت تمامی موجودات حب ذاتی و عشق جبلی ابداع شده است. (رک: آداب الصلاة، ۳۱۵؛ تفسیر سوره حمد، ۷۳؛ شرح چهل حدیث، ۹۱ و ۵۷۶). همه سلسله موجودات و همه ذرات کاینات، از پایین ترین تا بالاترین مرتبه، همه حق طلب و حق جویند و هر کس به نوعی در هر مطلوبی خدا را طلب می کند و عشق الهی را در نهانخانه دل دارد. در این میان انسان که اشرف مخلوقات و جانشین حضرت حق است، بالفطره محب و عاشق حق است زیرا عشق محبوب ازلی از روز الست در عمق وجود او ریشه دوانیده است (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۹۱).
امام (ره) عشق را جوهره وجودی انسان می داند و حقیقت آن را اکسیر می نامد. که در طریق عشق حقیقی، عاشق نباید در شیوه عشق بازی مقدمات ترتیب دهد و نتیجه بگیرد. حقیقتش، آتشی است که از قلب عاشق طلوع می کند و شعله آن بر سر و علن و باطن و ظاهرش سرایت می کند و سرپای وجود او را فرامی گیرد. بدین دلیل، همه حرکات و گفتار چنین انسانی عاشقانه است، زیرا از کوزه همان برون

تراود که در اوست. پس از چنین انسانی که مجذوب مقام احدیت و عاشق جمال احدیت است، هر چه سرزند، از عشق به حضرت حق حکایت دارد. (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۱)

حب انسان به حق همراه با معرفت حضوری و شهودی است. «انسان بالفطره عاشق حق است، که کمال مطلق است، گرچه خودش نداند به واسطه احتجاب نور فطرت. پس انسان غیر محتجب، که کمال مطلق را حق بداند، و معرفت حضوری به مقام مقدس کامل علی الاطلاق داشته باشد، آنچه از او ظهور پیدا کند، کامل ببند و جمال و کمال حق را در جمیع موجودات ظاهر ببند و چنانچه ذات مقدس را کامل مطلق ببند، صفات جمال و جلال را کامل ببند و همین طور، افعال حق را در جمیل و کامل مشاهده کند، و این که «از جمیل مطلق جز جمیل نباید» را به عین عیان و مشاهده حضوری دریابد». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۴)

قلب منزلگاه ذات مقدس حضرت حق محبوب است و تعلق به آن حضرت دارد. سالک الی الله نباید غیر حق را در قلب خویش جای دهد، چراکه تمام بدبختی‌ها و گرفتاری‌ها از همین جایگزینی سرچشمه می‌گیرد. «دل مؤمن عرش و سریر سلطنت حق و منزلگاه آن ذات مقدس؛ و صاحب دل، ذات مقدس است. توجه به غیر حق تعالی، خیانت به حق است؛ و حبّ به غیر ذات مقدس و خاصان او، که حبّ او است، خیانت است در مشرب عرفان (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴۸۰).

چنانچه عشق در جذب کمال و جمال مطلق واقع شود، به این دلدادگی و جذب، عشق حقیقی و مقبول گویند؛ ولی اگر شیدایی و دلدادگی به مظاهر و مناظر هستی تعلق گیرد و این تعلق، هدف و غایت جذب و دلدادگی انسان باشد، به آن عشق مجازی و نامقبول گفته می‌شود.

ایشان نظام آفرینش را نظامی بر بنیان عشق می‌داند، عشقی که نقش آفرینش‌گری دارد، نقش راهبری و هدایت دارد و سبب دستیابی سالک به مقام والای انسانی و تقرب به آستان حضرت محبوب حق و در یک کلام لقاء الله است.

از دیگر نتایج این است که عشق هدف نهایی آفرینش است و حبّ پروردگار به خودش دلیل اصلی خلقت عالم وجود است، این عشق دوسویه در کل موجودات جاری شده و تمام شوری که در هستی افتاده است، ناشی از همین عشق است که سبب حرکت موجودات به سوی کمال می‌باشد. عاشق راستین حق، به واسطه حب ذات احدیت و الطاف ذات مقدس الهی، از منازل جسمی و عنصری و معدنی و نباتی و حیوانی در تحت نظامی مرتب به حرکات ذاتیه و جوهریه و عشق‌هایی فطری و جبلی عبور کرده و به منزلگاه انسانیت که اشرف منازل موجودات است، راه می‌یابد و پس از آن نیز زیر سایه معشوق چنان تربیت و پرورش می‌یابد که هرگز در وهم آدمی نمی‌گنجد (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳۱).

منابع و مآخذ

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) نهج البلاغه.
- (۳) آشتیانی، سید جلال الدین، ۱۳۷۵، شرح مقدمه قیصری، چاپ ۴: بوستان کتاب، قم.
- (۴) ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب (۱۴۱۲ق)، ج ۱: دار صادر، بیروت.
- (۵) اسماعیلی نیا، فاطمه و دیگران، بررسی رابطه «عشق و آفرینش» در کشف الاسرار و عده الابرار میبیدی ۱۳۹۶، فصلنامه عرفانیات در ادب فارسی، صص (۳۲-۴۳).
- (۶) البستانی، فؤاد الأفرام، ۱۳۸۶، معجم الوسیط، چاپ چهارم: انتشارات اسلامی، تهران.
- (۷) بدوی، عبد الرحمن، رابعه شهید عشق الهی ترجمه: تحریرچی، مولی. تهران.
- (۸) بقلی شیرازی، روزبهان ابن ابی نصر، ۱۳۴۴، عبهر العاشقین: انتشارات منوچهری. تهران.
- (۹) مولانا، جلال الدین محمد، ۱۳۷۴، فیه ما فیه: چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- (۱۰) تهنوی، محمد علی، ۱۳۷۸، کشف اصطلاحات الفنون جلد ۲، چاپ اول، سپاس، تهران.
- (۱۱) حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، ۱۳۸۶، دیوان غزلیات: نشر اقبال، تهران.
- (۱۲) دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه زیر نظر محمد معین، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۳) دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد، ۱۳۶۲، عطف الالف المألوف علی اللام المعطوف تحقیق حسن محمود عبد اللطیف الشافعی و جوزیف نور من بل، دار الكتاب اللبنانی، بیروت.
- (۱۴) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۵، المفردات فی غریب القرآن: دارالعلم، بیروت.
- (۱۵) رازی، نجم الدین ابوبکر، ۱۳۸۱، مرصاد العباد: انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- (۱۶) رجایی، غلام علی، ۱۳۶۴، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی: مؤسسه عروج. تهران.
- (۱۷) سجادی، سید جعفر، ۱۳۷۲، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی: طهوری. تهران.
- (۱۸) شایگان، داریوش. هانری کربن، ۱۳۷۳، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی ترجمه باقر پرهام: نشر فروزان. تهران.
- (۱۹) غزالی، احمد بن محمد، ۱۳۷۵، سوانح العشاق با تصحیح هلموت ریتز با تصحیحات جدید، مقدمه و توضیحات نصرالله پورجوادی: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. تهران.
- (۲۰) غفارزاده، علی، ۱۳۸۳، جایگاه عشق در عرفان امام خمینی، فصلنامه دانشگاه قم، س ۶، ش ۱.
- (۲۱) الغراب، محمود، ۱۳۸۶، عشق و عرفان از دیدگاه محی الدین عربی ترجمه سید محمد رادمش، چاپ اول انتشارات جامی، تهران.

- (۲۲) طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۶۴، المیزان فی تفسیر القرآن: دارالکتب الاسلامیه. تهران
- (۲۳) طباطبائی، فاطمه، ۱۳۸۰، نقش آفرینی عشق در نظام هستی از دیدگاه امام خمینی پژوهشنامه متین، س ۳، ش ۱۰.
- (۲۴) غزالی، احمد بن محمد ۱۳۷۵، کیمیای سعادت به اهتمام پروین قاسمی، پیمان. تهران
- (۲۵) قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۱۳۵۴، لطایف الاشارات تحقیق: ابراهیم بسیونی، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- (۲۶) مستملی بخاری، ابوابراهیم اسماعیل بن محمد، ۱۳۶۳، شرح التعرف لمذهب التصوف: اساطیر. تهران
- (۲۷) مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، مجموعه آثار: انتشارات صدرا. تهران
- (۲۸) معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ معین: انتشارات امیر کبیر. تهران
- (۲۹) امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۴، تفسیر قرآن مجید-برگرفته از آثار امام خمینی(ره)، مقدمه، تحقیق و تعلیق سید محمد علی ایازی، ناظر: آیت الله محمد هادی معرفت، چاپ اول، مؤسسه چاپ و نشر عروج، جلد ۱، ۲، ۳، ۴، تهران
- (۳۰) _____، ۱۳۸۲، تفسیر و شواهد قرآنی در آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)،
- (۳۱) _____، ۱۳۷۸، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران.
- (۳۲) _____، ۱۳۷۲، دیوان اشعار امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران
- (۳۳) _____، ۱۳۶۸، ره عشق، نامه عرفانی امام خمینی: چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران
- (۳۴) _____، ۱۴۱۰ق، تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الانس»، نشر پاسدار اسلام، قم
- (۳۵) _____، ۱۳۷۲، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه، ترجمه: سید احمد فهری، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- (۳۶) _____، ۱۳۷۶، شرح دعای سحر- مقدمه و ترجمه: سید احمد فهری، چاپ اول، مرکز النشر العلمی الثقافی، تهران
- (۳۷) _____، ۱۳۶۸، جایگاه و اهمیت قلب، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران.
- (۳۸) _____، ۱۳۷۳، آداب الصلاه، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، جلد ۲، تهران

- (۳۹) _____، ۱۳۹۳، سر الصلاة، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران
- (۴۰) _____، ۱۳۷۹، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)، جلد ۱ و ۴ و ۷ و ۲۱، چاپ دوم، انتشارات طبع و نشر
- (۴۱) _____، ۱۳۹۴، تفسیر سوره حمد، چاپ چهاردهم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- (۴۲) _____، ۱۳۸۷، شرح چهل حدیث، چاپ دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- (۴۳) _____، ۱۳۹۱، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ پنجم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- (۴۴) موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، ۱۴۱۴ق، مواهب الرحمن، چاپ سوم، موسسه المنار، بیروت
- (۴۵) مجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۶، بحار الانوار، جلد ۱۵، و ۵۴، نشر عطار، تهران
- (۴۶) میرآخوری، قاسم، ۱۳۷۶، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، چاپخانه نیل، تهران
- (۴۷) هاشمی، حسین، ۱۳۹۱، نقش قرآن در اندیشه عرفانی امام خمینی، بی تا، بی جا.
- (۴۸) هجویری غزنوی، ابوالحسن، ۱۳۸۶، کشف المحجوب، چاپ ششم، طهوری، تهران

Study of Divine Love and Affection in the Creation of the Universe

(Based on the Verses of Quran from Imam Khomeini's Point of View)

Mahnaz Kaeian Hosseini, Maryam Bakhtyar*, Ali Yarhosseini
PhD Student, Islamic Mysticism and Imam Khomeini's Thought, Ahvaz Branch,
Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Assistant Professor, Department of Mysticism, Ahvaz Branch, Islamic Azad University
Ahvaz, Iran.* Corresponding Author, Bakhtyarmaryam@yahoo.com
Professor, Department of Mysticism, Masjed Soleyman Branch, Islamic Azad
University, Masjed Soleyman, Iran

Abstract

Discussion of divine love is one of the interesting topics, especially, in Islamic mysticism that has forced many mystics and thinkers to explain and expand them according to the relevant verses of Quran. Also, Imam Khomeini in his works he dealt with this issue, by Paving the way the verses and narrations on the other hand, and also, with the influence of the elders of the valley of mysticism and knowledge, that in this study, We try to discuss and description about it by use of library method and collection of materials and content analysis. What emerges from his works, indicates that both universe and the creation of man are the product of divine love and affection. Such love and affection, can lead him back from this earthly world to the rest of world, if found in the seeker of path of truth, that, of course, it is possible in the shadow of acting on the rules and law that God asked of servant, and The concept "We are from God and turn to God" realized about it. From the perspective of Imam, divine love is similar to a fire that is kindled in lover heart from beginning of creation, and in order to achieve it, one must to get help from purification and cultivation of the soul, which attribute that seeks to purify the self from impurities and obstacles and mundane and material veils that appears inside devotee, and enabling devotee to discover kingdom and meet God based on verses of the Quran.

Keywords:

Imam Khomeini, verses and narrations, mystical interpretation, love and affection, creation